

Strategic Competitions between Powerful Countries in India-Oceania and Eurasia*

Reza Simbar¹, Danyal Rezapour²

¹Professor, Political Science and International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran.
rezasimbar@hotmail.com

²PhD., International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran (Corresponding Author).
danyalrezapoor@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to investigate bilateral ties between India-Eurasia (Russia and the United States) and India-Oceania in new world conditions and also to assess the gradual transformations of India effective in the above 2 regions using the theory of geopolitical region. The hypothesis is that bilateral relations in the triangle of India, U.S.A and Russia is of special importance with regard to the growing history of India in the international realm and an ongoing competition between the U.S.A and Russia to remain faithful to India. Furthermore, with respect to the efforts of New Delhi to become an influential world power, India will have to do more trades; therefore, it makes use of its close relations with Washington and Moscow. The method of the study is descriptive-analysis and the results showed that deteriorating relations between Russia and the U.S.A is a hindrance to achieve trilateral cooperation. Despite traditional friendship and mutual trust between India and Russia, it seems that relations between the two countries cannot meet the realities today. Although Washington and Moscow regard relationship with New Delhi as a sign of growing regional ties in India-Pacific Ocean and Eurasia, they face with a special resistance from the Indian counterpart when it comes to developing ties. China is considered as a key variable in the triangle model between the U.S.A, India, and Russia.

Keywords: U.S.A, India, Russia, Indian Ocean, Eurasia

* Received: 2020/03/05 ; Accepted: 2020/05/30

** Copyright © the authors

رقابت‌های راهبردی متداخل کشورهای قدرتمند در هند - اقیانوسیه و اوراسیا*

رضا سیمیر^۱، دانیال رضاپور^۲

^۱ استاد، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.
rezasimbar@hotmail.com
^۲ دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول).
danyalrezapoor@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روابط متقابل هند با روسیه و آمریکا در اوراسیا و هند-اقیانوسیه در شرایط نوین جهانی و نیز ارزیابی تحولات تدریجی و اثرگذار هند در این دو منطقه با بهره‌گیری از نظریه منطقه‌ی ژئوپلیتیکی بود. فرض بر این است که روابط متقابل درون مثلث به دلیل رشد قدمت هند در عرصه بین‌المللی و همچنین رقابت مداوم بین آمریکا و روسیه برای وفاداری به هند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین با توجه به تلاش‌های دهلی‌نو برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی تأثیرگذار، هند مجبور خواهد شد معاملات بیشتری انجام دهد، بنابراین از روابط نزدیک خود با واشنگتن و مسکو استفاده می‌کند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد، وخیم‌تر شدن روابط روسیه و آمریکا مانع از دستیابی هر نوع همکاری سه جانبه می‌شود. علی‌رغم حفظ دوستی سنتی و اعتماد متقابل، به نظر نمی‌رسد که روابط هند و روسیه پاسخ‌گوی واقعیت‌های زمان باشد. گرچه واشنگتن و مسکو همکاری با دهلی‌نو را به عنوان نشانه‌ای از رشد تعامل منطقه‌ای به ترتیب در هند - اقیانوس آرام و اوراسیا می‌دانند، اما هر دو کشور وقتی صحبت از گسترش همکاری می‌شود، با مقاومت خاصی از طرف هند روبرو هستند. چین یک متغیر کلیدی برای الگوی مثلث ایالات متحده، هند و روسیه است.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، هند، روسیه، اقیانوس هند، اوراسیا.

مقدمه

ویژگی‌هایی که برخی مناطق و قلمروهای دریایی و خشکی را از نظر جهانی مهم جلوه می‌دهد و سبب می‌شود که به کانون محاسبات استراتژیک و ژئواستراتژیک قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شوند، به نحوی که این بازیگران خواهان داشتن کنترل نسبی بر مناطق حیاتی در پهنه دریایی - خشکی یا حداقل داشتن قدرت مانور و پاسخ‌گویی به تهدید آنان باشند، وجود دو عامل، یکی اقتصادی که خود به دو دسته انرژی و تجارت تقسیم می‌شود، و دیگری نظامی است. این عوامل، امروزه اثرها و پیامدهای مشخص و پویایی ویژه‌ای را به‌طور خاص برای اقیانوس هند و اوراسیا به وجود آورده، و پیگیری استراتژی‌هایی برای مناسب ساختن این پیامدها، این دو منطقه را به محل توجه و رقابت قدرتمندی چون آمریکا، هند، روسیه و چین به‌عنوان فعال‌ترین و مؤثرترین بازیگران جهانی و منطقه‌ای تبدیل کرده است. میزان اهمیت اوراسیا و اقیانوس هند در طول تاریخ نیز متفاوت بوده و با پیشرفت‌های روزافزون در حوزه فناوری و تغییر الگوهای سیاست جهانی دست‌خوش تغییر شده است. این دو منطقه در عصر نظام دوقطبی بیشتر اهمیت سیاسی و ژئوپلیتیکی داشتند، هرچند این اهمیت هنوز هم وجود دارد و دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک بر آنها حاکم است. در حال حاضر اوراسیا و اقیانوس هند از نقش آفرینی ژئواکونومیک مضعفی نیز برخوردار شده‌اند. علت آن از یک‌سو به موضوع تضمین امنیت انرژی جهانی - که از تنگه هرمز و آبراه باب‌المندب روانه اقیانوس هند می‌شود - برمی‌گردد و از دیگر سو، اهمیت اوراسیا به لحاظ حجم فزاینده تجارت خشکی که در آینده‌های نه‌چندان دور با آن مواجه خواهد شد، موضوعیت خواهد یافت. بر این اساس، اقیانوس هند و اوراسیا به سبب صرفه‌جویی‌های اقتصادی و نزدیک ساختن چهار حوزه جغرافیایی اصلی اقتصاد جهان یعنی آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا، جنوب شرق آسیا و خلیج فارس جایگاه ویژه‌ای دارند (برزگر و رضائی، ۱۳۹۶، ص ۲). در این میان، مسئله با اهمیت، تحولی است که در سیاست‌های ایالات متحده در حال رخ دادن است. این تحول، نه به معنای دگرگونی ساختاری، بلکه تغییر در اولویت‌ها، مکان‌ها و ژئوپلیتیک‌های مورد تمرکز، درجه توجه آمریکا به موضوعات و نحوه قالب‌بندی گفتمانی سیاست خارجی است. برجسته‌ترین نماد این تحول، در سیاست موسوم به *روی‌گردانی از خاورمیانه به سمت هند* - اقیانوسیه و اوراسیا قابل رؤیت است که سیاست‌مداران ایالات متحده آن را مطرح کرده بودند. در نتیجه، هرگونه چرخش در اولویت سیاست‌های راهبردی ایالات متحده به سمت هند -

اقیانوسیه و اوراسیا، دربرگیرنده نقش و جایگاه این دو منطقه در مرکز این تحول عظیم است. بر همین اساس، امروزه این دو منطقه در زمره حوزه‌های مهم و سرنوشت‌ساز ژئوپلیتیک و تعیین‌کننده راهبردهای آتی برخی از کشورها قرار دارد که به نظر می‌رسد آینده مناسبات استراتژیک بین‌المللی در این دو منطقه با رقابت آمریکا، هند، روسیه و چین رقم خواهد خورد. با توجه به اینکه روابط ایالات متحده، هند و روسیه از زمان جنگ سرد وجود داشته است، اما به ندرت توسط محققان به عنوان یک مثلث استراتژیک شناخته می‌شود، زیرا این موضوع عمدتاً به این دلیل است که این سه کشور نه تنها هرگز روابط مساوی و دوستانه‌ای با هم نداشته‌اند، بلکه توافقی‌های سه‌جانبه‌ای هم منعقد نکرده‌اند. از زاویه‌ای متفاوت، ممکن است همین موضوع در مورد مثلث استراتژیک^۱ ایالات متحده، چین و روسیه اعمال شود، که در صورت تحقق توجه بسیاری از محققان را به خود جلب می‌کند و به عنوان یک مثلث استراتژیک ناکام مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مورد مثلث استراتژیک، جامع‌ترین تجزیه و تحلیل را می‌توان در مقاله لول دیتمر^۲ یافت. به گفته وی، مثلث استراتژیک نوعی بازی معامله در بین سه بازیکن است. دیتمر سه الگوی مختلف روابط در مثلث‌های استراتژیک مشخص کرد:

۱. مثلث رمانتیک: مثلثی که یک بازیکن روابط مقارنی با دیگر بازیکن‌های متخاصم دارد.

۲. مثلث خصمانه: مثلثی که تمامی بازیکن‌ها به یکدیگر حسادت می‌ورزند، اما

همکاری‌های محدودی براساس منافعشان صورت می‌گیرد.

۳. مثلث پایدار: متشکل از دوستی دو بازیگر و روابط خصمانه با بازیگر سوم

(Dimmiter, 1981, P.481).

طبق طبقه‌بندی دیتمر، روابط بین ایالات متحده، هند و روسیه مثلث رمانتیک است که هند نقش اصلی را میان واشنگتن و مسکو بازی می‌کند و از همکاری مثبت با هر دو پایتخت لذت می‌برد. در عین حال، هند هنوز به عنوان یک بازیکن تأثیرگذار ظاهر نشده است. دهلی‌نو هرگز سعی نکرده است از مزیت‌های ژئوپلیتیک و موقعیت محوری خود در روابط میان ایالات متحده و روسیه استفاده کند. حتی گزاره معروف هنری کیسینجر^۳: روابط ما با

1. Strategic Triangle.

2. Lowell Dimmitter.

3. Kissinger.

مخالفان احتمالی باید به گونه‌ای باشد ... که گزینه‌های ما برای هر دو آنها همیشه بیشتر از گزینه‌هایشان نسبت به یکدیگر باشد، کاملاً با دیدگاه هند در مورد نظام بین‌الملل مطابقت ندارد (Kissinger, 1979, P.165). در مقابل، تبدیل مثلث ایالات متحده و هند و روسیه به روابط رمانتیک دیتمر احتمالاً به نفع منافع هند تمام خواهد شد.

پژوهش حاضر بازی ژئوپلیتیکی میان هند با روسیه و ایالات متحده در منطقه هند-اقیانوسیه و اوراسیا را مورد بحث قرار داد. از این‌رو پرسش اساسی این است که روابط متقابل هند با روسیه و آمریکا در اوراسیا و هند-اقیانوسیه در شرایط نوین جهانی چگونه است و تحولات تدریجی و اثرگذار هند در این دو منطقه چگونه قابل شناسایی و ارزیابی است؟ فرض بر این است که روابط متقابل درون مثلث به دلیل رشد قدمت هند در عرصه بین‌المللی و همچنین رقابت مداوم بین آمریکا و روسیه برای وفاداری به هند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین با توجه به تلاش‌های دهلی نو برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی تأثیرگذار، هند مجبور خواهد شد معاملات بیشتری انجام دهد، بنابراین، از روابط نزدیک خود با واشنگتن و مسکو استفاده می‌کند.

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و تلاش شد با بهره‌گیری از منابع موجود در حوزه سیاست راهبردی هند - اقیانوسیه و اوراسیا و تحلیل آن‌ها، دلایل حضور و نقش‌آفرینی هند، روسیه و آمریکا در تحولات ژئوپلیتیکی اخیر مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به اهمیت اوراسیا و اقیانوس هند در تغییر معادلات منطقه‌ای و زمینه‌سازی برای ایفای نقش توسط قدرت‌های بزرگ، بررسی نقش هند (به عنوان یکی از قدرت‌های در حال ظهور نظام بین‌الملل) در مدیریت و تعامل با کشورهای آمریکا و روسیه به عنوان ضرورت تحقیق مهم به نظر می‌رسد.

۱- منطقه‌ی ژئوپلیتیکی

منطقه عبارت است از یک عرصه پهناور جغرافیایی که به لحاظ فرهنگی یا فیزیکی متجانس باشد. در اغلب موارد، ساختارهای ژئوپلیتیکی در کنار سطوح فضایی سلسله مراتب زیر سازمان یافته‌اند:

قلمرو ژئواستراتژیکی، منطقه ژئوپلیتیکی-زیربخشی (سطح میانی)، حکومت‌های ملی، شبه حکومت‌ها و زیربخش‌های سرزمینی در داخل یا میان حکومت‌ها (سطح پایین).
منطقه، دومین سطح از ساختار ژئوپلیتیکی است (بعد از منطقه استراتژیکی). اغلب مناطق

زیربخش‌هایی از قلمروها هستند، هرچند ممکن است برخی میان آنها قرار داشته یا مستقل از آنها باشند. مناطق توسط هم‌جواری جغرافیایی و تعاملات سیاسی، فرهنگی و نظامی و شاید به واسطه مهاجرت و آمیزش مردمان و تاریخ‌های مشترک ظهور ملی، به یکدیگر پیوند می‌خورند. مناطق به واسطه ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، یا سیاسی از نواحی اطراف خود متمایز می‌شوند. در طرح‌های ژئوپلیتیکی جدید برای تقسیم‌بندی مناطق مختلف جهان از تقسیم‌بندی‌های دوران جنگ سرد استفاده می‌شود (جهان اول، جهان دوم و جهان سوم). گاهی اوقات تقسیم‌بندی‌ها براساس توسعه نسبی در حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی صورت می‌گیرد (کشورهای شمال و کشورهای جنوب). برخی اوقات نیز تقسیم‌بندی براساس شکل‌گیری انجمن‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای جدید انجام می‌شود و نمونه بارز آن اتحادیه اروپاست. یک منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه جغرافیایی و عناصر آن است. در یک منطقه ژئوپلیتیکی عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آن‌ها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را برمی‌انگیزد. اساساً می‌توان بر پایه برخی شاخص‌ها، مناطق مختلف جهان و مناطق پیرامون را به مناطق مرکز تقسیم کرد. مناطق از نوع اول به لحاظ سیاسی باثبات و دارای اقتصاد پویا و سازمان یافته هستند و توانمندی‌های بالایی در کنترل جهان دارند. مناطق از نوع دوم به لحاظ سیاسی آشوب زده هستند و اقتصادشان گرفتار رکود است و اغلب در مسیر حاشیه‌ای قرار دارند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶-۸).

از این رو در دانش ژئوپلیتیک مناطق دارای ویژگی‌های سه گانه خاصی است:

۱- مناطق فاقد منازعه (دارای حداقل منازعه): ویژگی بارز این مناطق این است که منازعات ژئوپلیتیکی (منازعات مرزی - ارضی، قومی، مذهبی و زبانی) در آن‌ها کم بوده و در واقع از این مراحل عبور کرده‌اند. این مناطق پیشرو در صنعت، تجارت و امنیت بوده و اغلب عقلانیت دانشی بر اعمال آن‌ها حاکم است. حکومت‌ها اغلب ملتی هستند. این مناطق از نظر سیاسی دارای ثبات است، مانند منطقه اروپای غربی و منطقه آمریکای شمالی. همچنین به جهت داشتن قدرت اقتصادی، سیاسی و مادی در سایر جغرافیای جهان دخالتی آشکار دارند و مداخله‌گرند.

رقابت قدرت‌ها در این مناطق در قالب رقابت فضایی با حاصل جمع غیر صفر دنبال می‌شود. در این زمینه جوزف فرانکل^۱ اعتقاد دارد که رقابت فرانسه و آلمان از یک بازی با حاصل جمع صفر در اوایل دوران پس از جنگ دوم جهانی، یعنی هنگامی که فرانسه می‌خواست آلمان‌ها را زیردست نگه دارد، در داخل جوامع اروپایی به یک بازی با حاصل جمع متغیر تحول یافت که در آن همکاری باعث تغییر سرشت رقابت‌آمیز بازی و افزایش سریع پرداخت‌ها برای هر دو طرف گردید.

۲- مناطق پرمنازعه (منازعه‌خیز): این مناطق عموماً جهت منازعات ژئوپلیتیکی مرزی - ارضی و قومی - مذهبی مهیا می‌باشند. همچنین دخالت‌پذیر و پیرو (هم‌پیمان) قدرت‌های بزرگ هستند. اغلب دارای منابع مادی و معنوی فراوانی بوده و خصوصت تاریخی در این مناطق نمایان است و فاقد عقلانیت دانشی‌اند، مانند مناطق جنوب غرب آسیا، بالکان، اوراسیا، اقیانوس هند و آسیای جنوبی دخالت‌پذیرند. در این نوع از مناطق، درجه تقاضای تجزیه‌طلبی بالا است. درجه صفت‌بندی یعنی گروه‌های عمده‌ای که بر سر قدرت به رقابت می‌پردازند، از سوی شمار بیشتری از نواحی جغرافیایی و گروه‌های قومی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی حمایت می‌شوند. همچنین درجه مشروعیت یعنی شهروندان تا چه میزان به حکومت مرکزی وفادار بوده و آن را نماینده منافع خود می‌دانند، دارای ثبات پایداری نمی‌باشد. از طرف دیگر، درجه خشونت سیاسی در قالب میزان توسل بازیگران به خشونت برای دستیابی به اهداف خود بالا است. درجه اقتدار یعنی مردم تا چه میزان برای واحد سیاسی خود مشروعیت قائل بوده و آزادانه حاضرند از حکمرانی آن اطاعت نمایند، در سطح پایینی قرار دارد. در این نوع از مناطق، رقابت قدرت‌ها در قالب بازی با حاصل جمع صفر دنبال می‌شود.

۳- مناطق میانی (مناطق در حال گذر از منازعه یا مناطق امیدوار): این مناطق سعی دارند تا از دوران منازعه عبور کرده و خود را با مناطق توسعه یافته و امنیت‌دار نزدیک نمایند. همچنین درصددند به ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی همانند مناطق کم‌منازعه دست یابند. این مناطق عبارتند از: شرق آسیا، اروپای مرکزی، حوزه کارائیب و آمریکای لاتین (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹-۱۰).

1. Joseph Frankel.

۲- پیشینه تاریخی

در زمان جنگ سرد، روابط هند و اتحاد جماهیر شوروی بسیار نزدیک‌تر از روابط هند با ایالات متحده بود. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۱، دهلی نو و مسکو حتی در مورد اتحاد تاکتیکی توافق کردند، زیرا دو کشور معاهده دوستی و همکاری را امضاء کردند که نقش مهمی در جنگ متعاقب هند و پاکستان داشت. با وجود همکاری نزدیک با اتحاد جماهیر شوروی، هند به عنوان یکی از سردمداران سیاست عدم تعهد، سیاست خارجی مستقل خود را در طول جنگ سرد حفظ کرد. همچنین سیاست‌مداران هندی با حفظ فاصله مساوی میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا، به دنبال بهبود جایگاه هند در نظام بین‌الملل بودند. با این وجود، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، نقطه عطفی در روابط میان هند و روسیه بوده است. جالب این است که سیاست خارجی غرب محور مسکو، از جمله تلاش برای ایجاد همکاری نزدیک با آمریکا بر روابط دوجانبه با دهلی نو تأثیر منفی گذاشت. احتمالاً بارزترین نشانه این بود که روسیه تحت فشار آمریکا از توافق برای تهیه فن‌آوری موتور کریوژنیک^۱ به هند در سال ۱۹۹۳ منصرف شد. در پی این اقدام، روابط هند و روسیه به شدت کاهش یافت، در حالی که دهلی نو، به دنبال اصلاحات اقتصادی بود، شروع به همکاری سازنده با غرب از جمله ایالات متحده کرد. در همین زمان، واشنگتن بلافاصله هند را در آغوش نگرفت، زیرا رویکرد ایالات متحده در قبال موضوعات حساس مانند منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مسائل حقوق بشری همانند کشتارهای رخ داده در کشمیر در سطح عالی، دلایل قابل توجهی برای همکاری محدود ایالات متحده و هند در طول نیمه اول دهه ۱۹۹۰ بود.

یکی دیگر از لحظات قابل توجه مثلث استراتژیک در ماه مه ۱۹۹۸ رخ داد، زمانی که آزمایشات هسته‌ای دهلی نو کاملاً با مخالفت واشنگتن و مسکو روبه‌رو شد. یکی از نتایج آزمایشات هسته‌ای Pokhran-II تصمیم ایالات متحده برای اعمال تحریم‌ها علیه هند بود که توانایی‌های این کشور را برای توسعه بیشتر سلاح‌های هسته‌ای محدود می‌کرد. جالب این‌جاست که در آن زمان، روسیه و ایالات متحده با وجود اختلافات زیاد در مورد بحران یوگسلاوی، در مورد مسایل مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از درک نسبتاً مشترکی

1. Cryogenic engine.

برخوردار بودند. برخی از نویسندگان معتقد بودند که با توجه به مشترک بودن منافع روسیه و آمریکا و اهرم قدرتمندی که روسیه در دهلی‌نو داشته است، بهتر بود که ایالات متحده حل و فصل مسائل هسته‌ای هند را به روسیه واگذار کند (Khripunov & Srivastava, 1999, P.254). علی‌رغم درک مشترک، هیچ اتفاق منفی برای هند به وجود نیامد، زیرا روس‌ها تحریم‌های یک جانبه ایالات متحده علیه هند را وتو کردند. علاوه بر این، روسیه همکاری نزدیک با بخش هسته‌ای هند را دنبال کرد. تنها یک ماه پس از آزمایش‌های هسته‌ای، دولت‌های هند و روسیه علی‌رغم عدم رضایت ایالات متحده، یک سند تکمیلی برای توافق‌نامه ۱۹۸۸ در مورد ساخت دو راکتور هسته‌ای در هند امضاء کردند. بنابراین، با وجود مخالفت ایالات متحده و سایر اعضای گروه تولیدکنندگان هسته‌ای^۱ مسکو فعالیت‌های ابتدایی را در سایت هسته‌ای کودانکولام^۲ شروع کرد (Balachandran, 9 November 2012).

با تغییر پارادایمی ملاحظات ژئوپلیتیکی آمریکا در اواخر دهه ۱۹۹۰، هند توانست خود را به شریک اصلی منافع استراتژیک ایالات متحده تبدیل کند. ظهور جایگاه هند در اولویت‌های ایالات متحده منجر به افزایش تعامل سیاسی، اعتماد متقابل و متعاقباً همکاری بیشتر در طیف گسترده‌ای از حوزه‌ها شد. اگر در دهه ۱۹۶۰ ایالات متحده نتوانست به عنوان تأمین‌کننده اصلی صنایع نظامی هند فعالیت کند، اما از اواسط دهه ۲۰۰۰، مشخص شد که همکاری‌های دفاعی و امنیتی تبدیل به عامل محوری در روابط هند و آمریکا شد (Madan, 16 October 2018). آمار افزایش مبادلات نظامی بین ایالات متحده و هند ثابت کرد که این همکاری‌های دوجانبه، سطح جدیدی از تعامل میان دو کشور را به وجود آورده است. در ژوئن ۲۰۰۵ واشنگتن و دهلی‌نو قرارداد جدید دفاعی را امضاء کردند که باعث گسترش همکاری‌های نظامی بین دو کشور شد. مشارکت دفاعی دو جانبه در سال ۲۰۱۲ پس از راه‌اندازی طرح دفاع و تجارت دفاعی^۳ توسعه یافت. همچنین با وجود تحریم‌های ایالات متحده علیه هند پس از آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۸، دو طرف موفق شدند اختلافات اساسی را حل کنند و صفحه جدیدی را نیز در مسیر توسعه انرژی هسته‌ای باز کنند. نقطه عطف این روابط، توافق هسته‌ای هند و

1. NSG .

2. Kudankulam.

3. DTTI.

آمریکا در سال ۲۰۰۸ بود که اگرچه تاکنون توسط دو طرف به طور کامل عملی نشده است، اما نشان از سطح بالایی از اعتماد استراتژیک بین دو کشور دارد و بدون شک برنامه هسته‌ای هند را قدرتمندتر خواهد کرد.

روابط روسیه و هند پس از سفر ولادیمیر پوتین به هند در سال ۲۰۰۰ و ایجاد مشارکت استراتژیک در یک مسیر صعودی قرار گرفت. از آن زمان، روابط دفاعی هند و روسیه با عقد قراردادهای و توافق‌های نظامی چندگانه برای انتقال فناوری و پروژه‌های مشترک به طرز چشم‌گیری افزایش یافته است. فصل موفق دیگر تعامل دوجانبه هند و روسیه، پیوندهای انرژی است. روسیه هنوز تنها کشوری است که می‌تواند راکتورهای هسته‌ای را در خاک هند بسازد، زیرا نیروگاه کودکانولام به دو راکتور عامل و دو واحد در حال ساخت در حال گسترش است. با وجود پیشرفت در زمینه دفاع و انرژی، روابط کلی هند و روسیه به دلیل تجارت محدود و همکاری‌های چالش‌آفرین اقتصادی محدود می‌باشد. علاوه بر این، روسیه اگرچه با حفظ جایگاه پیش‌رو خود به عنوان تأمین‌کننده صنایع دفاعی هند، در تلاش برای دستیابی به امتیازات جدید در همکاری دفاعی خود با این کشور می‌باشد، اما از آنجایی که آمریکا به طور مداوم سلاح‌های متنوعی را برای مشتریان خود تولید می‌کند، این رویکرد محدودیتی را برای فروش سلاح‌های روسی به وجود آورده است. همچنین امروزه چشم‌انداز آمریکا که خواهان بیرون انداختن روسیه از بازار دفاعی هند می‌باشد، دیگر غیرواقعی به نظر نمی‌رسد. با شدت گرفتن رقابت بین ایالات متحده و روسیه، دهلی‌نو مجبور است توافق دقیق بین مسکو و واشنگتن را برقرار کند. در سال ۲۰۱۸، بیست سال پس از آزمایشات هسته‌ای Pokhran-II، هند دوباره به علت خرید سیستم‌های نظامی از روسیه با تهدید تحریم‌های آمریکا روبرو شده است (Orf online, 2019, P. 6). تغییر واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در آسیای جنوبی - که به عنوان مکان جدیدی از رقابت‌های ژئوپلیتیک ایالات متحده و روسیه پدیدار شده است - عاملی است که هند باید تصمیم‌های سخت استراتژیک را اتخاذ کند و خود را در شرایطی شبیه دوران جنگ سرد قرار دهد.

۳- زمینه‌های کشمکش و برخورد منافع ایالات متحده و روسیه در نظام بین‌الملل

نوع بازی و فعل و انفعالات درون مثلث همیشه به روابط واشنگتن و مسکو وابسته است، زیرا به نوعی اساس مثلث میان سه کشور را ایالات متحده و روسیه تشکیل می‌دهند. در پنج

سال گذشته، همکاری روسیه و آمریکا با تضادهای جدیدی رو به وخامت است. به نظر می‌رسد از دیدگاه دو طرف، این روابط سینوسی ناامیدکننده با هیچ چشم‌انداز کوتاه مدتی قابلیت تنظیم مجدد^۱ یا احیای روابط نخواهد داشت. خروج ایالات متحده از پیمان نیروهای هسته‌ای میان برد^۲ به عنوان یک سیگنال نگران‌کننده برای هر دو طرف و همچنین بازیگران بین‌المللی ظاهر شد و ماهیت متضاد گفتگوی آمریکا و روسیه را به وضوح برجسته کرد. همچنین پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در ایالات متحده، روسیه به بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست آمریکا یا پسر بد در مبارزه داخلی میان دموکرات‌ها و جمهوری خواه‌ها تبدیل شده بود (Kurilla, 5 December 2017). رقابتی دونالد ترامپ و کسانی که از پیروزی وی ناامید شده بودند، وی را دست‌نشانده پوتین تشبیه کردند. تصویر شبح روسیه در افکار عمومی آمریکا این امکان را برای دونالد ترامپ که قصد بهبود روابط با مسکو را داشت، ناممکن نمود. همچنین توانایی جمهوری خواهان در پیشبرد برنامه‌های سیاست خارجی را به طور جدی محدود کرده بود، زیرا مجبور بودند رفتارهای تحقیرآمیز روس‌ها را بعد از اتفاقات داخلی و بین‌المللی همانند بحران اوکراین و سوریه تحمل کنند. این احساسات به وضوح در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده نمایش داده شده است به طوری که این استراتژی، روسیه را به عنوان یکی از دو چالش فوری (همراه با چین) برای ارزش‌ها و منافع ایالات متحده توصیف کرده است (National Security Strategy of the United States of America, 2017: P.25). شکی نیست که در اواسط دوره اول رئیس‌جمهوری ترامپ، آمریکا در مورد اجماع دو طرفه درباره جایگاه روسیه در جهان به توافق رسید. تنها سؤال باقی مانده این است که آیا رئیس‌جمهور آمریکا از تلاش برای برقراری روابط بهتر با روسیه دست کشیده است.

از منظر جهانی، رویارویی در مناطق مختلف جهان باعث نگرانی در روابط روسیه و آمریکا می‌شود. آنچه از سال ۲۰۱۴ به عنوان بن‌بست بین روسیه و غرب پدید آمد، تأثیر بسزایی در بحران‌های منطقه‌ای، به ویژه در اوکراین، سوریه و افغانستان داشته است. یکی از خطرناک‌ترین عواقب ناشی از این وضعیت، درگیری آنها در جنگ‌های نیابتی، حداقل در سوریه بود. گزارش‌ها حاکی از درگیری بین نیروهای شبه نظامی و نظامی دو کشور در سوریه که ممکن

1. Readjust.

2. INF.

بود. علاوه بر این، جنگ اطلاعاتی و جنگ سایبری، یکی دیگر از ابعاد جدی رویارویی را تشکیل می‌دهد و به عنوان بخشی از سقوط آزاد و بی‌حد و مرز، یک رابطه را به سمت پایین‌ترین مسیر آن سوق می‌دهد. همه این عوامل در روابط دو جانبه اختلال ایجاد کرده و منجر به ارزیابی یک جنگ هیبریدی یا ترکیبی^۱ مداوم بین روسیه و آمریکا شده است. در این زمینه، مسکو و واشنگتن تنها می‌توانند یک هدف را دنبال کنند که جلوگیری از تشدید منازع است. از این رو، تنش‌زدایی باید اولین و مهمترین اولویت دو طرف باشد (Trenin, January 2018). لازم به ذکر است که برای تنش‌زدایی، مذاکرات سازنده و تعامل نزدیک‌تر باید در هر دو پایتخت تحقق یابد. بحث‌های فزاینده در سطح مشاوران امنیت ملی نشانگر تعهد دو طرف برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن اوضاع بود. در همین راستا، تسهیل گفتگو زمانی آغاز شد که جان بولتون - سومین مشاور امنیتی ریاست جمهوری از سال ۲۰۱۶ - کار خود را آغاز کرد. بولتون پس از انتصاب، در آوریل ۲۰۱۸، دو جلسه با دبیرکل شورای امنیت روسیه، نیکولای پاتروشف^۲ و رئیس جمهور ولادیمیر پوتین برگزار کرد، که ظاهراً بیانگر تلاش دو طرف برای حفظ گفتگو در مورد موضوعات مهم دوجانبه بود. دیدار دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین در هلسینکی^۳ در ماه ژوئیه ۲۰۱۸ نیز نشانه مطلوبی برای یافتن زمینه‌های مشترک دستور کار بین‌المللی بود. با این وجود این اجلاس نتیجه‌ای به همراه نداشت، زیرا لفاظی‌های استفاده شده دو طرف به سردتر شدن روابط کمک کرد و امیدواری را برای ایجاد تعامل سازنده در روابط از بین برد که رویای همکاری به محض بازگشت ترامپ به آمریکا ناپدید و مورد تایید دقیق تمام سیاست‌مداران قرار گرفت.

تعامل یا بدتر از آن تقابل روسیه و ایالات متحده هرگز برای منافع هند مساعد نبوده است. چنین وضعیتی در نظام بین‌الملل بر روابط دهلی‌نو با هر دو کشور تأثیر گذاشته است و هند را مجبور به انتخاب‌های سخت کرده است. از زاویه‌ای دیگر، واقعیت‌های آشفته جهان امروز نشان داده است که روابط پرتنش مسکو و واشنگتن تنها مختل‌کننده ثبات جهانی نیست، بلکه تمام کشورهای درگیر در این روابط همانند هند را به چالش کشانده و یک معضل استراتژیک

1. Hybrid or hybrid war.

2. Nikolai Patrushev.

3. Helsinki.

دیگر برای منافع ملی این کشورها ایجاد کرده است. علی‌رغم اختلافات دو ابر قدرت، اما هند هنوز از نظر امور بین‌المللی و منطقه‌ای مورد حمایت شدید این دو کشور می‌باشد. با این حال واشنگتن و مسکو در استراتژی‌های بزرگ خود در قبال منطقه، اختلاف‌هایی دارند، در حالی که روسیه، هند را بخشی از ابتکار عمل مشارکت بزرگ اوراسیا^۱ می‌داند، ایالات متحده تأکید می‌کند که هند نقش اساسی در استراتژی هند و اقیانوسیه آمریکا ایفا می‌کند.

۴- هند - اقیانوسیه در مقابل اوراسیا

بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، هند به طور فزاینده‌ای برای ملحق شدن در بلوک‌های سیاسی اوراسیا و هند - اقیانوسیه مردد بوده است. طبق ژئوپلیتیک کلاسیک، هند به عنوان یک نیروی ترکیبی خشکی و دریایی، به برقراری روابط سازنده در اوراسیا و اقیانوس علاقه‌مند است. با این حال، چشم‌انداز گسترده‌تر سیاست خارجی این کشور توسط چندین عامل خارجی مانند ظهور چین، توجه بیشتر به آسیای جنوب شرقی و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای شکل گرفته است.

۴-۱- هند - اقیانوسیه

هند - اقیانوسیه یک مفهوم دریایی است که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۷ توسط نخست وزیر ژاپن شینزو آبه در سخنرانی او در پارلمان هند مطرح شد. او اصطلاح هند و اقیانوس آرام را به کار نبرد، اما این ایده را ابراز کرد که آسیای وسیع‌تری در محل تلاقی دو دریای هند و اقیانوس آرام شکل می‌گیرد (Shinzo Abe, 2007). نکته مهم دیگر شینزو آبه در مورد آینده آسیا این بود که ژاپن، هند، ایالات متحده و استرالیا دور هم جمع شوند و با ایجاد یک شبکه گسترده تمام اقیانوس آرام را پوشش دهند. آنچه بعداً به عنوان گفتگوی امنیتی چهارجانبه پدیدار شد و کشور استرالیا و هند به دلیل نگرانی در مورد واکنش چین با احتیاط این گفتگوی‌های امنیتی را پذیرفتند، در واقع برگرفته از پیشنهاد نخست وزیر ژاپن بوده است. محرک جدیدی در مفهوم هند - اقیانوسیه و تعامل در قالب چهار ضلعی (ایالات متحده - هند - ژاپن - استرالیا) در نوامبر ۲۰۱۷ پس از دیدار مقامات این کشورها در مانیل تزریق شد. همچنین این مفهوم با تغییر نام فرماندهی اقیانوس آرام به عنوان فرماندهی هند - اقیانوس آرام

1. Great Eurasian Partnership.

توسط ایالات متحده آمریکا از مشروعیت بیشتری برخوردار گردید. همکاری‌های منطقه‌ای - یا حداقل بحث در مورد مسائل دریایی در منطقه - به بخش لاینفک گفتگوی هند با سه اعضای دیگر و همچنین دولت‌های آسه آن^۱ و سایر بازیگران منطقه‌ای و خارج از منطقه تبدیل شده است. در عین حال، نشست‌های چهارجانبه^۲ نتوانسته است به گفتگوی امنیتی همه جانبه تبدیل شود، زیرا مقامات سطح پایین این چهار کشور گرد هم می‌آیند، در حالی تأمین امنیت هند - اقیانوسیه که هنوز طبق قوانین و هنجارها آزاد معرفی نشده است، نیازمند ابتکار امنیتی در سطح بالا میان کشورها می‌باشد. از طرف دیگر، برداشت‌های مختلف ژئوپلیتیکی به همراه محاسبات استراتژیک همکاری‌های مربوطه با پکن، از اصلی‌ترین چالش‌هایی است که شرکت‌کنندگان گفتگوی امنیتی باید آن را حل کنند. بنابراین، این چهار کشور نباید به عنوان یک بلوک یا گروهی از چهار کشور بلکه بیشتر به عنوان ماتریسی از روابط سه‌جانبه و دوجانبه مورد بررسی قرار گیرند (Jaishankar, 24 October 2018). هند بخشی از این ماتریس است - ایالات متحده - هند - ژاپن و ژاپن - هند - استرالیا. هنگامی که دونالد ترامپ، نارندرا مودی و شینزو آبه^۳ در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در نوامبر ۲۰۱۸ دیدار کردند، ماتریس اول از سطح وزرا به رهبران ارتقاء یافت. جدای از آن، هند رزمایش‌های نظامی با کشورهای هند - اقیانوس آرام را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. بدون شک ایالات متحده شریک پیشرو هند در این مسیر است. رزمایش‌های نظامی بین این دو کشور به طور منظمی انجام می‌گیرد که شامل تمرینات نیروهای سه جانبه و نیروهای ویژه ارتش می‌باشد. هند و آمریکا توافق‌نامه تأمین تدارکات^۴ و توافق‌نامه ارتباطات^۵ را امضاء کرده و سطح اعتماد و سازگاری متقابل را تقویت کردند. مشارکت‌های استراتژیک هند با ژاپن و استرالیا با روشی مشابه توسعه یافته است. قابل توجه است که هر چهار کشور گفتگوی ۲ + ۲ را در روابط دوجانبه میان یکدیگر برقرار کرده‌اند. همه این‌ها حاکی از رشد محتوای استراتژیک مفهوم هند - اقیانوسیه و تعامل چند جانبه بین بازیکنان منطقه می‌باشد.

-
1. ASEAN.
 2. Quadripartite.
 3. Narendra Modi & Shinzo Abe.
 4. LEMOA.
 5. COMCASA.

موضع هند در مورد تحولات هند - اقیانوسیه در سخنرانی نخست وزیر نارندرا مودی در گفتگوی شانگری‌لا^۱ که در ژوئن سال ۲۰۱۸ در سنگاپور برگزار شد، مشخص است. ایده اصلی بیانیه وی به اهمیت فراگیر بودن^۲ معطوف شد، زیرا وی تأکید کرد که مشارکت هند در منطقه فراگیر خواهد بود. همچنین دو نکته مهم دیگر در سخنان مودی وجود دارد که باید به آنها اشاره کرد: هند، منطقه هند - اقیانوس آرام را به عنوان یک استراتژی یا باشگاهی با اعضای محدود نمی‌بیند ... و به هیچ وجه ما آن را مخالف منافع هیچ کشوری نمی‌دانیم (Ministry of External Affairs, 1 June 2018). این مفاهیم دیدگاه هندیان در مورد اصول منطقه‌ای را توضیح می‌دهد. این سخنان قصد جدید دهلی‌نو را به نمایش می‌گذارد که ضمن تعمیق درگیری‌ها در هند - اقیانوسیه یک رویکرد متعادل را حفظ می‌کند تا همکاری‌های خود را با دیگر قدرت‌ها خراب نکنند. بدیهی است با این استراتژی، نه تنها چین، بلکه روسیه نیز پشت چشم‌انداز هند و اقیانوسیه می‌باشد. اما مسکو از زمان شروع روایت هند - اقیانوس آرام محتاط بوده است، زیرا روسیه مستقیماً تحت تأثیر تحولات جاری در منطقه نیست. وزیر امور خارجه روسیه، سرگئی لاوروف^۳ در جریان دیدار روسیه و هند و چین^۴ در دهلی نو در دسامبر سال ۲۰۱۷ اظهار داشت: معماری امنیتی پایدار در منطقه از طریق ترتیبات بلوک بسته حاصل نمی‌شود (Sergey Lavrov, 11 December 2018). باید به این امر اذعان کرد که ایده گفتگوی امنیتی چهارجانبه و همچنین تعامل‌های متعدد در منطقه هیچ‌گونه تهدیدی را برای امنیت روسیه به وجود نمی‌آورد، بنابراین، روسیه هیچ‌گونه هدف والایی در منطقه هند - اقیانوسیه ندارد و هدف‌های ثانویه خود را می‌تواند از طریق مجاری دیپلماتیک به تحقق برساند. حضور روسیه در منطقه - در صورت تجزیه و تحلیل در حوزه دریایی - ناچیز است. مسکو با محاصره شدید از طرف همسایگان خود با طرح مشارکت شرقی اروپا و عملیات سوریه، بیشتر بر روی دریاها و سیاه و مدیترانه تمرکز کرده است و همچنین امنیت دریایی مابین اقیانوس آرام و دریای شمالی را تأمین می‌کند. از این

-
1. Shangriella.
 2. Being inclusive.
 3. Sergei Lavrov.
 4. RIC.

رو، علاقه مسکو به منطقه محدود به شرق آسیا یا اقیانوس آرام غربی است. علاوه بر این، روسیه با توجه به دلایل جغرافیایی و ژئواستراتژیکی هنوز در اسناد رسمی سیاست خارجی خود از اصطلاح آسیا - اقیانوسیه استفاده می‌کند، زیرا عدم اشتیاق مسکو ناشی از عدم موافقت با استراتژی ایالات متحده در منطقه و عدم تمایل به استفاده از اصطلاحات اتخاذ شده توسط دولت آمریکا و نیروهای دریایی ایالات متحده است. حتی در گفتگوهای دو جانبه با شریک استراتژیک خود هند - کرملین از ذکر هند - اقیانوس آرام خودداری می‌کند و به اصطلاح‌های مختلف منطقه اشاره می‌کند (Heiduk & Gudrun, 2020).

گمانه‌زنی‌هایی در مورد قصد مسکو برای افزایش عملیات دریایی این کشور در منطقه اقیانوس هند^۱ وجود دارد. مسکو ممکن است با وجود کمبود توانایی، حضور خود در این منطقه را به سه دلیل مهم افزایش دهد:

اول، به عنوان بخشی از تقویت همکاری‌های دفاعی با هند. تاکنون، تمرین نظامی مشترک ایندرا^۲ تنها مورد عملیات ناوگان روسیه در منطقه بوده است. اگر دو طرف توافق‌نامه‌های لجستیکی را امضاء کنند، همان‌طور که رسانه‌ها گزارش داده‌اند، می‌تواند تعامل دریایی بیشتر، از جمله دسترسی روسیه به این منطقه را تسهیل کند.

دوم، روسیه می‌تواند با پروژه‌های خط لوله و انرژی انگیزه یابد. پروژه‌هایی مانند خط لوله انتقال گاز ایران - پاکستان و هند^۳ - در صورت اجرای آن - مطمئناً به گشت‌های دفاعی احتیاج دارند که می‌تواند عاملی برای حضور نیروی دریایی روسیه باشد. تفاهم‌نامه همکاری‌های دریایی که در اوت سال ۲۰۱۸ بین روسیه و پاکستان منعقد شده است، گواهی بر قصد احتمالی مسکو برای فعالیت سازنده در اقیانوس آرام می‌باشد. با این وجود، رشد حضور دریایی روسیه در اقیانوس هند به سختی در یک چشم‌انداز کوتاه مدت قابل پیش‌بینی است.

۴-۲- اوراسیا

مفهوم اوراسیا از تاریخ بسیار عمیق‌تری نسبت به ایده هند - اقیانوس آرام برخوردار

-
1. IOR.
 2. Indra.
 3. IPI.

است و به تبع آن، دیدگاه‌های مختلفی در مورد این فضای ژئوپلیتیکی و پیامد رقابت ابرقدرت‌ها در آن ارائه شده است. از نظر متعارف، اوراسیا قلمرو وسیعی است که قلمروهای اروپا و آسیا را با هم ترکیب می‌کند. این قاره در استراتژی‌های ایالات متحده، هند و روسیه دارای ویژگی‌های مختلفی می‌باشد. ایالات متحده و روسیه به طور سنتی اوراسیا را عمدتاً از طریق فضای پس از فروپاشی شوروی تجزیه و تحلیل می‌کنند. تقسیم‌بندی و منطقه‌ای شدن شبه قاره اوراسیا از زمان پایان جنگ سرد مشخصه اصلی سیاست خارجی ایالات متحده می‌باشد. در دهه ۱۹۹۰، واشنگتن و مسکو مشغول ساختن جامعه مشترک اروپا و اقیانوس اطلس - از ونکوور تا ولادی وستوک بودند - و فضای بعد از شوروی از این منظر مورد بررسی قرار می‌گرفت. اما بعد از روی کار آمدن اوراسیاگرایان، روسیه در تلاش برای حفظ رابطه با اعضای سابق اتحاد جماهیر شوروی، ابتکارات مختلفی همانند کشورهای مستقل مشترک المنافع^۱ و سازمان پیمان امنیت جمعی^۲ را که تا امروز وجود دارد، ترویج داده بود. با این حال، آنچه که از همان ابتدا از منظر ژئوپلیتیکی امیدوارکننده‌تر بود، ظهور شانگهای پنج و بعداً سازمان همکاری شانگهای^۳ می‌باشد که از چین، روسیه و چهار جمهوری آسیای میانه (قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان) تشکیل شده است.

از سال ۲۰۰۱، سیاست ایالات متحده در اوراسیا تحت تاثیر جنگ افغانستان است. سیاست افغانستان عامل مهمی در جهت دسترسی و همکاری واشنگتن با بسیاری از بازیگران منطقه‌ای همانند هند و روسیه می‌باشد (Kuchins, 2018: P.225). در عین حال رویکرد ایالات متحده در قبال افغانستان و آسیای مرکزی به طور کلی پراکنده و از هم‌گسیخته است، نه منظم و راهبردی که این بی‌نظمی منجر به طرح مفهوم مشارکت بزرگ آسیای مرکزی برای سیاست خارجی آمریکا شده است (Starr, 2005: P. 36). با این حال از سال ۲۰۰۵، هنگامی که این ایده ابداع شد، واشنگتن به طور معنی‌داری استراتژی منطقه‌ای خود را تغییر نداده است. ظهور چین به عنوان یک قدرت برجسته اوراسیا و تلاش برای

1. CIS.

2. CSTO.

3. SCO.

اجرای ابرپروژه یک کمربند یک راه^۱ به عنوان یک چالش و انگیزه توجه بیشتر ایالات متحده به منطقه را سوق داده است. اما به نظر می‌رسد که واشنگتن از اقدامات چینی‌ها در سراسر اقیانوس - خشکی خطری را احساس نمی‌کند، زیرا هیچ واکنش جامعی از طرف ایالات متحده به راهروهای زمینی تحت نظارت ابتکار یک کمربند - یک راه وجود ندارد که چین را با آسیای میانه و اروپا، آسیای جنوبی و آسیای شرقی جنوبی متصل می‌کند.

برای روسیه، اهمیت اوراسیا به عنوان یک مفهوم ژئواستراتژیک پس از سال ۲۰۱۴ به وجود آمد، زمانی که همه توهّمات راجع به الحاق اوراسیا به عنوان بخشی از نظم امنیتی اروپا - اقیانوس اطلس بعد بحران اوکراین از بین رفت و در متن تقابل با غرب و محور اعلام شده به شرق (یا آسیا) است که ایده‌ی نگاه به اوراسیای بزرگ شناور شد. در همین راستا مکانیسم سازمان شانگهای به ویژه بعد از اینکه با عضویت ناظر هند در سال ۲۰۱۵ در این سازمان موافقت شد، کاملاً مناسب برای گسترش روابط سیاسی و ایجاد یک محیط امنیتی سالم در منطقه می‌باشد. در سال ۲۰۱۶، ولادیمیر پوتین چشم‌انداز جدیدی از تعامل اقتصادی در اوراسیا را برای تثبیت دیدگاه روسیه در مورد ابر قاره اوراسیای بزرگ پیشنهاد داد. اصطلاح اوراسیای بزرگ پس از آنکه روسیه و چین مفهوم مشارکت اوراسیای بزرگ را به عنوان یک فضای مشترک برای همکاری‌های اقتصادی، لجستیکی و اطلاع‌رسانی و برای صلح و امنیت از شانگهای تا لیسبون^۲ و از دهلی‌نو تا مورمانسک به وجود آوردند، نهادینه شد (Kuznetsova, 1 September 2017). طبق گفته برخی متفکران روسی، سازمان همکاری‌های اقتصادی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) و سایر موسسات مالی باید مبنای سازمانی خود را برای اوراسیای بزرگ فراهم کنند. از نظر ژئوپلیتیکی، این مفهوم به روسیه اجازه می‌دهد وضعیت جدید ژئوپلیتیکی را بدست آورد، نه اینکه در حاشیه اروپا با دارایی‌های آسیا، بلکه به عنوان یک قدرت آتلانتیکی - اقیانوس آرام متعهد به آینده باشد، اگرچه مسکو باید تلاش زیادی را برای تحقق چنین امری انجام دهد (Karaganov, 25 October 2016). حتی اگر اوراسیای بزرگ^۳ به طور بالقوه بتواند چشم‌انداز همکاری روسیه و هند، که قبلاً در SCO

1. OBOR.

2. Lisbon.

3. Great Eurasi.

تقویت شده است، در صورت امضای توافق‌نامه تجارت آزاد بین EAEU و هند را تکمیل کند، اما متأسفانه این مفهوم امیدوارکننده‌تر به نظر می‌رسد که روی کاغذ عملی‌تر باشد، تا اینکه به‌طور منسجم در مورد همکاری‌های روسیه و هند بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم.

به‌طور سنتی هند نه تنها به خاطر مسیرهای تاریخی تجاری و روابط با کشورهای آسیای مرکزی، بلکه به دلیل دو تهدید استراتژیک در مرزهای شمالی و شمال شرقی خود به فضای اوراسیا علاقمند است، زیرا ضریب امنیت برای منافع ملی هند بسیار حیاتی است، بنابراین، همکاری نزدیک با کشورهای اوراسیایی به ویژه روسیه همواره با توجه به این محاسبه در حال گسترش بوده است. پروژه‌های اتصال و خطوط لوله، به ویژه اجرایی و عملیاتی شدن آن‌ها، فرصت‌هایی را برای هند برای گسترش روابط با کشورهای اوراسیا تعریف می‌کند. در عین حال، به نظر نمی‌رسد که هند دیدی یکپارچه از اوراسیا داشته باشد. رویکرد هند در مناطق فرعی این ابرقاره کاملاً تقسیم شده است، زیرا در اصل، اروپا جذابیت‌های بیشتری برای سیاست‌گذاران هند دارد. روابط اقتصادی تقویت شده با قدرت‌های اروپایی می‌تواند به رشد سریع هند کمک کند و جایگاه هند را به عنوان یک قدرت جهانی افزایش دهد. در مقابل، کشورهای آسیای مرکزی گرچه بخشی از سیاست خارجی هند می‌باشند، اما بدیهی است که نسبت به اروپا کمتر جذاب به نظر برسند، زیرا روابط رو به رشد با آن‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌تر از طرف سرمایه‌گذاران هندی می‌باشد که تاکنون هند از این کار دریغ کرده است. تصمیم جدید دهلی‌نو برای عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای فرصتی برای افزایش تعامل سیاسی هند با آسیای مرکزی را فراهم کرده است. در حالی که منافع عینی برای سیاست خارجی این کشور وجود ندارد، اما پیوستن هند به این سازمان تا حدودی ناشی از این مفهوم بود که بهتر از سردرگمی میان اروپا و آسیا باشند. از دیدگاه دیگر، ورود هند و پاکستان به شانگهای به عنوان یک موفقیت دیپلماتیک در مسکو تلقی می‌شود. برخی از کارشناسان روسی گسترش این سازمان را فرایندی می‌دانند که نشانگر اهمیت آن برای منطقه وسیع اوراسیا می‌باشد و استدلال می‌کنند که یک شانگهای متحد منجر به کاهش تنش‌های منطقه‌ای، ایجاد فضای اعتماد بین هند و چین و در نتیجه بهبود وضعیت کلی امنیتی اوراسیا خواهد شد (Valdai Discussion Club Report, 2016: P.25). با این وجود وقتی صحبت از اوراسیا می‌شود، پیچیدگی‌های عینی برای حضور مستحکم‌تر هند در منطقه وجود دارد، زیرا تنش‌های هند

با پاکستان و بحران در افغانستان است که مانع از تعامل بیشتر اقتصادی هند با سایر کشورهای منطقه می‌شود و حل این موضوعات بخشی از بحث و گفتگوی بزرگ سازمان شانگهای می‌باشد، به خصوص پس از اینکه هند و پاکستان به عضویت کامل این سازمان دربیایند.

۵- بازیگران مداخله‌گر در بحران افغانستان

افغانستان به سبب موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک ویژه، مابین چند زیرسیستم منطقه‌ای واقع شده است. این کشور از سمت مرزهای غربی خود با خاورمیانه از شمال با آسیای مرکزی از جنوب با آسیای جنوبی و از شرق به نوعی با خاور دور در تماس است. به عبارتی صریح‌تر، افغانستان در محل تلاقی چند منطقه قرار دارد و می‌تواند همانند سرزمینی پل مانند خاورمیانه، آسیای جنوبی، شرق آسیا و آسیای مرکزی را از راه خشکی به یکدیگر پیوند دهد. اصلی‌ترین منطقه‌ای که افغانستان در آن جای می‌گیرد آسیای مرکزی است، زیرا محصور بودن در خشکی ویژگی مشترک کشورهای این منطقه است. به علاوه افغانستان بیشترین قرابت‌های قومی، فرهنگی و جغرافیایی را با این منطقه دارد. موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان و همچنین تحولات بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ سبب افزایش اهمیت منطقه‌گرایی به عنوان راهکاری برای خروج این کشور از بحران شده است. بدین وسیله افغانستان ضمن ارتقای روابط دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه، در تلاش است بستر حل بحران‌های داخلی خود را از طریق ارتباطات برون‌مرزی فراهم کند (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲). با این وجود افزایش خشونت و بی‌ثباتی در افغانستان، که به نظر می‌رسد از سال ۲۰۱۷ وارد مرحله جدیدی شده است، حل و فصل سیاسی را تنها راه ممکن برای پایان این بی‌ثباتی کرده است. در حالی که دولت افغانستان و طالبان نمی‌توانند در مورد شرایط احتمالی مذاکرات و نتایج آنها به توافق برسند، بازیگران بین‌المللی روش‌های دیپلماتیک حل بحران را ترجیح می‌دهند. مهم‌تر از آن، جستجوی راه‌حلی برای حل و فصل سیاسی این بحران به رقابت ژئوپلیتیکی بین روسیه و ایالات متحده تبدیل شده است که ابتکار عمل و رویکردهای آن برای برقراری صلح در افغانستان متناسب با وضعیت روابط دو جانبه آنها متفاوت است. افغانستان قرن‌ها زمین بازی برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است و امروزه بحران ژئوپلیتیکی، دوباره به طور غیرقابل تفکیک در وضعیت این کشور حاکم شده است.

دهلی‌نو با در نظر گرفتن تلاش‌های واگرای مسکو و واشنگتن برای حل بحران افغانستان، ضمن نگرانی در مورد استراتژی‌های این دو کشور سعی در ادامه گفتگوی سازنده با هر دو پایتخت دارد. ایالات متحده و روسیه می‌دانند که یافتن راه‌حل برای بحران افغانستان بدون همسایگان این کشور غیرممکن بوده و پاکستان کلید حل مناقشه حملات تروریستی در افغانستان و تاحدودی در کل منطقه است. در این راستا، به نظر می‌رسد اصطلاح منطقه اف-پاک^۱ که توسط دولت باراک اوباما استفاده می‌شود، مکانی را نشان می‌دهد که پاکستان در اوضاع افغانستان نقش دارد. با این وجود استراتژی دونالد ترامپ در قبال افغانستان و آسیای جنوبی که در آگوست سال ۲۰۱۷ اعلام شد، زیاد پایدار نماند. یک سال بعد، اوضاع به طرز چشم‌گیری تغییر کرد و به نظر می‌رسد ایالات متحده مجبور شده است که رویکرد خود را دوباره ارزیابی کند. با وجود پایین آمدن سطح روابط آمریکا با پاکستان به خاطر پناه دادن به تروریست‌ها و کاهش کمک مالی به اسلام‌آباد، به نظر می‌رسد تلاش‌های ایالات متحده برای یافتن یک راهکار برای حل و فصل بحران افغانستان همچنان به اسلام‌آباد بستگی دارد. در همین راستا، ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۸، باعث افزایش تعامل بین مقامات آمریکایی و پاکستانی شد. در سپتامبر ۲۰۱۸، درست پیش از گفتگوی ۲ + ۲ با هند، وزیر امور خارجه، مایک پومپئو به اسلام‌آباد سفر کرد و در مورد بحران افغانستان با نخست‌وزیر عمران خان گفتگو کرد. نامه رئیس‌جمهور ترامپ که در آن از او درخواست کمک و همکاری دولت پاکستان در پیشبرد مذاکرات صلح با شورشیان افغانستان را داشت، از عوامل دیدار پومپئو از پاکستان بوده است (Constable, 3 December 2018). بنابراین، خاتمه گفتگو با اسلام‌آباد گزینه مناسبی برای منافع آمریکا نیست. علاوه بر این، درست همان‌طور که واشنگتن در تلاش بود تا ارتباطات خود با پاکستان را متوقف کند، برعکس مسکو سطح تعامل خود با اسلام‌آباد را بالا برد. رشد همکاری با چین و برقراری روابط با روسیه باعث می‌شود که پاکستان از عواقب ناخوشایند فشار آمریکا جلوگیری کند و این امر باعث مقاومت بیشتر اسلام‌آباد در قبال فشارهای واشنگتن می‌شود. سرانجام، نقش پاکستان برای تأمین امنیت نیروهای ایالات متحده و ناتو در افغانستان، در موفقیت اسلام

1. AF-Pak area.

آباد در عمل علیه تروریسم بسیار مهم است.

روسیه با تأیید نقش اصلی پاکستان در محیط امنیتی منطقه آسیای جنوب شرقی، هرگز نقش این کشور را وابسته به افغانستان تلقی نکرده است. با این وجود، روابط سازنده مسکو با پاکستان که از سال ۲۰۱۳ شروع شده است، عمدتاً از تحولات بحران افغانستان ناشی می‌شود، به طوری که موضوع امنیت منطقه‌ای با تمرکز آشکار بر اوضاع افغانستان در دستور کار روابط روسیه و پاکستان قرار گرفته است. چندین گفتگو امنیتی از جمله جلسات وزیران سطح بالا به سرپرستی مشاوران امنیت ملی در آوریل ۲۰۱۸ نشان داد که مسکو اهمیت پاکستان برای حل و فصل مناقشه افغانستان را پذیرفته است. کنار گذاشتن منافع تجاری از توسعه روابط با اسلام آباد، ظاهراً یکی از محرک‌های اصلی نزدیک شدن مسکو به پاکستان با هدف تسهیل ارتباطات با طالبان می‌باشد. تعامل روسیه با طالبان، بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای از جمله چین و بسیاری از بازیگران فرامنطقه‌ای (ایالات متحده، انگلیس، کشورهای حوزه خلیج فارس) را به تکاپو برای ارتباط با این گروه واداشته است. حضور داعش در افغانستان و تاثیر احتمالی نفوذ آن بر کشورهای آسیای مرکزی در کرملین به عنوان دلیلی برای تماس‌های محدود با طالبان تلقی شده است (Stepanova, 2018: P.31). در عین حال، تهدید واقعی داعش و همچنین تعداد شبه نظامیانی که برای این گروه تروریستی می‌جنگند، قابل بحث است. موضوع دیگری که در رسانه‌ها شایع شده است، سلاح و مهماتی است که روسیه به طالبان می‌فروشد، اگرچه مسکو همیشه این ادعاها را انکار کرده است.

تلاش‌های روزافزون ایالات متحده و روسیه برای حل بحران در افغانستان به طرز دیپلماتیک و به ویژه میانجی‌گری بین دولت افغانستان و طالبان، به نظر می‌رسد بیشتر به عنوان تلاش برای دستیابی به منافع سیاسی و ژئوپلیتیکی باشد، تا پایان دادن به درد و رنج مردم افغانستان. نشست روسیه با یک هیئت غیررسمی از افغانستان در گفتگوی مسکو در نوامبر ۲۰۱۸، که نمایندگان طالبان برای اولین بار در آن حضور داشتند، کاملاً تشریفاتی بوده است (Zakharov, 2019: P.12). در عین حال، مذاکرات مستقیم نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان، زلمی خلیل‌زاد با طالبان در سال ۲۰۲۰ (و مذاکرات قبلی آمریکا و طالبان در قطر) مشخص کرده است که واشنگتن به دنبال ایجاد معامله با این گروه به همراه

دور زدن دولت اشرف غنی به علت ناتوانی در پیشبرد روند صلح می‌باشد. مذاکرات موازی ایالات متحده و روسیه با نماینده طالبان فقط برای حفظ منافع ژئوپلیتیکی این دو کشور می‌باشد و اهمیت این مذاکرات در آینده سیاسی افغانستان مشخص خواهد شد. با این وجود باید دید که این استراتژی تا چه اندازه کارآمد خواهد بود، اما مطمئناً برای نهادهای سیاسی افغانستان امیدوارکننده نیست، زیرا یک گروه مسلح در حال به رسمیت شناختن شدن در سطح بین‌المللی می‌باشد که این مشروعیت مواضع دموکراتیک این کشورها را به شدت تضعیف می‌کند. همچنین رشد تعامل ایالات متحده و روسیه با طالبان و دخالت این گروه در روند صلح برای منافع هند بسیار چالش برانگیز است. هندوستان که همیشه با شعار تروریست بد و خوب وجود ندارد، ضمن علاقه برای حل و فصل بحران منطقه‌ای از مذاکره با این گروه‌ها اجتناب می‌کند و برای حفظ این موضع دهلی نو مجبور شد هیاتی غیررسمی را به مذاکرات مسکو بفرستد که بحث در مورد عدم تغییر مواضع هند نسبت به تروریست‌ها را به تمام طرف‌های مذاکره گوشزد کرد (Gupta, 10 November 2018). علی‌رغم حفظ مواضع ضدتروریستی، از آنجا که اوضاع افغانستان به سرعت در حال وخیم‌تر شدن است، هند احتمالاً ضمن احتیاط نسبت به شرایط حل و فصل و منافع همه اقشار جامعه افغانستان، دیپلماسی هوشمندانه خود را برای شرکت در مذاکرات صلح قطعاً دنبال خواهد کرد.

۶- ورود چین به بازی منطقه‌ای: تبدیل مثلث به مربع استراتژیک؟

تصور ارزیابی مثلث ایالات متحده و هند و روسیه بدون فهم مواضع کشوری که همانند فیلی در *اتاق* می‌باشد، غیرممکن است. در حقیقت، هر یک از طرفین مثلث مورد بحث از نظر روابط اقتصادی رابطه معناداری با چین برقرار کرده‌اند. نگرانی‌ها و اقدامات پکن بر روی هر سه طرف مثلث تأثیر می‌گذارد و هر سه بازیکن را به توازن در برابر منافع چین رهنمود می‌کند. تعامل ایالات متحده و چین از یک الگوی آونگی تبعیت می‌کند. به طوری که ضمن تعاملات تجاری عظیم، با قدرت‌گیری چین و محدود شدن دایره تصمیم‌گیری هژمون در ساختار نظام بین‌الملل از چین به عنوان یک تهدید بزرگ دراز مدت برای منافع آمریکاییان یاد می‌کنند (The White House, 4 October 2018). به دنبال این الگوریتم، واشنگتن حتی در تلاش برای دستیابی به تعادل در روابط تجاری با پکن، جنگ تعرفه‌ای اعلام کرد. در نقطه مقابل، دو طرف در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹ موفق به یافتن

توافق‌نامه‌ای شدند که منجر به تشکیل G-2 شد، این توافق تمام واقعیت‌های ژئوپلیتیکی دنیای امروز را به شدت متحول خواهد کرد و حتی بازگشت به دو قطبی نیز دور از دسترس نخواهد بود. اما با رویکرد صریح دولت دونالد ترامپ در قبال چین علی‌رغم توافقات صورت گرفته در زمینه تجاری، به نظر می‌رسد که همچنان الگوی مخالفت با قدرت‌گیری همه‌جانبه چین در اولویت می‌باشد.

به نظر می‌رسد روابط روسیه و چین به دلیل خصومت با آمریکا در اکثر زمینه‌ها در حال پیشرفت بوده است. در حوزه نظامی ارتش روسیه از ۱۱ تا ۱۵ سپتامبر، رزمایش Vostok 2018 که بزرگ‌ترین رزمایش روسیه در سه دهه اخیر محسوب می‌شود را با شرکت بیش از ۳۰۰ هزار نیروی نظامی در مناطق خاور دور و سیبری این کشور آغاز کرد. به گفته «سرگئی شایگو» وزیر دفاع روسیه، رزمایش وستوک ۲۰۱۸ از نظر ابعاد از سال ۱۹۸۱ که رزمایش «زایاد-۸۱» ZAPAD-81 ارتش شوروی برگزار شد، بی‌سابقه است. در رزمایش وستوک ۲۰۱۸ نیروهای حوزه نظامی فدرال شرق و مرکزی روسیه، واحدهای ناوگان شمال این کشور، نیروهای هوای، واحدهای هوایی دورپرواز و ترابری هوایی و همچنین واحدهایی از ارتش چین نیز در این رزمایش شرکت دارند. وزارت دفاع چین هدف از شرکت نیروهای این کشور در رزمایش وستوک-۲۰۱۸ را تحکیم همکاری‌های نظامی با روسیه خوانده است. برگزاری این رزمایش در شرق روسیه و مناطق آبی مجاور آن در عین حال هشدار جدی به آمریکا محسوب می‌شود که با تمرکز نیروهای دریایی و هوایی خود در منطقه آسیا - اقیانوس آرام عملاً به تهدید کشورهای منطقه مانند کره شمالی پرداخته و در عین حال اقدامات تحریک‌آمیز آن، تهدیدی جدی برای چین و روسیه محسوب می‌شود (National Interest, 2018: P.3). از این‌رو، به راحتی می‌توان گفت که روابط این دو به یک سطح کاملاً جدید رسیده است. برخی از کارشناسان حتی معتقدند که این سطح اتحاد تمام عیار نظامی است، اگرچه هیچ پیمان دوجانبه رسمی امضاء نشده است (Kashin, 2018: P.57). هر دو کشور به دنبال حفظ فضایی برای مانور و جلوگیری از نگرانی کشورهای همانند هند، ژاپن یا اروپا هستند. علاوه بر این، چشم‌اندازهای طولانی مدت این اتحاد هنوز هم مورد تردید است. آیا روسیه با تسلط چین در اوراسیا موافقت خواهد کرد؟ همان‌طور که اکنون مشاهده می‌شود، با رشد جایگاه پکن در منطقه از نفوذ روسیه و نقش آن کاسته شده است. بنابراین، اقدامات متوازن‌کننده روسیه در سیاست آسیا

با اقدامات گسترده‌تر ابتکارات اوراسیایی در این زمینه باید مورد بررسی قرار گیرد. سرانجام، مقاومت بوروکراسی‌های صنعت دفاعی در هر دو کشور می‌تواند همه مراحل ایجاد اتحاد را مختل کند (Kashin, 2018: P.70).

برای مدت طولانی، روابط هند و چین ماهیت تعاونی داشته است و دو کشور از همکاری اقتصادی نزدیک برخوردار بودند، اما تنش‌های سیاسی و بی‌اعتمادی استراتژیک میان دو کشور باعث تنش و اختلاف بین این دو ابرقدرت آینده شده است. با این حال، روابط دوجانبه پس از نشست غیررسمی رهبران در ووهان در آوریل ۲۰۱۸ در امتداد مسیر صعودی پیش رفته است. اختلافات مرزی همچنان بزرگ‌ترین چالش برای روابط سازنده دو کشور می‌باشد. با این حال پکن و دهلی نو توانایی مدیریت این اختلاف، در صورت عدم رفع این مسئله را نشان دادند. به طوری که پیش‌بینی و ثبات در منطقه مرزی محور اصلی تلاش‌های فعلی طرفین است. در همین حال، هنگامی که چین درگیر جنگ تجاری با ایالات متحده بود، پکن مجبور شد به وسیله سیاست خارجی فعال خود مجدداً از درگیری‌های بین‌المللی استفاده ابزاری کند. این کشور فرصت‌های جدیدی را برای گفتگوهای دوجانبه دهلی‌نو و پکن در مورد مسائل اساسی در تجارت ایجاد کرده و امکان آغاز چندین ابتکار مشترک از جمله یک برنامه آموزشی برای دیپلمات‌های افغان را فراهم نمود. بدون شک، افزایش تعامل بین دهلی‌نو و پکن در سطح رسمی نشان می‌دهد که هر دو طرف مایل به پیشبرد حل مسائل دوجانبه هستند، هرچند که به نظر می‌رسد این سرآغاز یک روند طولانی از همکاری است. همچنین اقدامات اعتمادساز و پیشرفت در کانال‌های ارتباطی هنوز عملی نشده است، زیرا اختلافات مرزی باعث شده است که رابطه دوستانه هند و چین از پیشرفت چشم‌گیری برخوردار نباشد. بنابراین، دستیابی به تفاهم و توافق در مورد این موضوع دشوار است، زیرا امتیازات نامعقول ممکن است به معنای خطرات جدی داخلی برای مشروعیت رهبران هر دو کشور باشد (Krishnan, 2018: P.4). از دیدگاه استراتژیک، چین، ایالات متحده و هند به شکلی مشابه دیده می‌شوند، در حالی که روسیه با وجود اینکه دارای سیاست‌های متفاوتی است، اما از ابتکار عمل و سیاست‌های چین حمایت می‌کند. پروژه یک کمربند-یک راه و اقدامات پکن در دریای جنوبی چین^۱ باعث نگرانی جدید دهلی‌نو و واشنگتن شده

1. SCS.

است. در مقابل، روسیه ابتکار عمل ابرپروژه جاده ابریشم جدید چین را تأیید کرد و از موقعیت خود در رابطه با دریای جنوبی چین که در تمرینات دریایی دو جانبه در منطقه جزایر مورد مناقشه در سال ۲۰۱۶ تقویت شد، استفاده کرده است.

نتیجه‌گیری

مثلث ایالات متحده و هند و روسیه دوره‌ای از تحول را پشت سر گذاشته است. وخیم‌تر شدن روابط روسیه و آمریکا مانع از دستیابی هر نوع همکاری سه جانبه می‌شود. هندوستان بار دیگر به یک شریک راهبردی تبدیل شده است که مسکو و واشنگتن برای آن رقابت کرده و قراردادهای دفاعی جدیدی با دهلی‌نو امضاء می‌کنند. برخلاف جنگ سرد، روسیه دیگر در موقعیت ممتازی نیست، زیرا روابط هند و آمریکا تقریباً نهادینه و به یک همکاری نزدیک تبدیل شده است. یکی از ویژگی‌های امروز روابط واشنگتن و دهلی‌نو، استمرار واقعی همکاری‌های دو کشور می‌باشد. حتی اگر دونالد ترامپ علاقه شخصی کمی به سیاست هند داشته است، تاثیر جدی بر روابط این دو کشور نخواهد گذاشت. اجلاس سران در سال اول ریاست جمهوری ترامپ یک مورد برجسته است. این همکاری توسط سایر نهادهای تصمیم‌ساز سیاست‌گذاری ایالات متحده برنامه‌ریزی شده بود. در مقابل، روابط مسکو و دهلی‌نو به اجلاس سالانه و سایر جلسات بین رهبران وابسته است. علی‌رغم حفظ دوستی سنتی و اعتماد متقابل، به نظر نمی‌رسد که روابط هند و روسیه پاسخ‌گوی واقعیت‌های زمان باشد. این دو کشور نتوانستند همکاری‌های خود را فراتر از همکاری‌های دفاعی و انرژی سوق دهند، در حالی که مسیرهای دیگر توسط قدرت‌های مختلفی از جمله ایالات متحده، که موفق به همکاری با هند در طیف گسترده‌تری از مسیرهای همکاری شدند، دست‌نیافتنی‌تر شده است.

رقابت برای بازار دفاعی هند باید در چارچوب تقابل گسترده‌تر مسکو و واشنگتن که در سرتاسر منطقه قرار دارد، دیده شود و شرکایی همانند هند را به عنوان طرف مقابل در چندین بحران انتخاب شود. رقابت آن‌ها در جنوب آسیا بر تحولات بحران افغانستان تأثیر می‌گذارد، جایی که برخورد منافع آمریکا و روسیه فشار بیشتری به سیاست خارجی هند وارد می‌کند و دهلی‌نو باید با تغییر الگوها خود را سازگار کند. هند تنها قدرت در جهان است که عضو ابتکارات ادغام اوراسیا و هند-اقیانوسیه می‌باشد. علی‌رغم اهمیت نمادین

حضور در هر دو مفهوم، دستاوردهای عملی برای سیاست خارجی هند تاکنون محدود بوده است. به طور مشابه، گرچه واشنگتن و مسکو همکاری با دهلی‌نو را به عنوان نشانه‌ای از رشد تعامل منطقه‌ای به ترتیب در هند - اقیانوس آرام و اوراسیا می‌دانند، اما هر دو کشور وقتی صحبت از گسترش همکاری می‌شود، با مقاومت خاصی از طرف هند روبرو هستند. هند مدت‌هاست که از پیوستن به طرح اورآسیای بزرگ روسیه به‌ویژه در سایه سازگاری با دیدگاه‌های روسیه و چین مخالفت کرده است. در مورد طرح هند - اقیانوسیه باید اذعان کرد که ممکن است گفتگوی امنیت چهارجانبه به یک اتحاد نظامی تبدیل شود. اما باز هم، دوگانگی هند در هر دو مفهوم جغرافیایی ناشی از رابطه ناآرام این کشور با پکن است. از آنجا که روابط هند و چین ترکیبی از همکاری و رقابت است، دهلی‌نو مجبور است ضمن ایجاد نگرانی‌های پکن درباره تعامل‌های هند و اقیانوس آرام، ابتکار عمل را برای کمربند و راه چین در نظر بگیرد. اوراسیا و هند - اقیانوس آرام فضای زیادی را برای گمانه‌زنی‌ها باقی می‌گذارند. هر دو مفاهیم در حال تحول هستند که با تمایل بیشتر به آسیا، تفسیرها و برداشت‌های غلط بیشتری مشاهده می‌شود. ارزیابی جغرافیایی، ابتکارات ادغام، تحولات جاری و آینده این دو منطقه به شدت به مکانی که به آنها نگاه می‌کنند، بستگی دارد. با این وجود، چین که جزء جدایی‌ناپذیر از هر دو منطقه است، تأثیر زیادی در پیشرفت‌های این دو منطقه بزرگ خواهد داشت. چین یک متغیر کلیدی برای الگوی مثلث ایالات متحده، هند و روسیه است. فعل و انفعالات درون مثلث و بازی‌های دوطرفه که هر یک از بازیکنان مثلث با پکن درگیر شده‌اند، گرچه به وسیله عوامل مختلف و از نظر ماهیت متفاوت هستند، اما آینده ژئوپلیتیک آسیا را در قرن ۲۱ تعریف می‌کند.

— منابع —

۱. احمدی، عباس؛ ازندهی، مرجان؛ موصلو، طهمورث (۱۳۹۶). تبیین نظری تغییر ماهیت مناطق ژئوپلیتیک در رقابت بین قدرت‌ها. ژئوپلیتیک، ۱۳(۳): ۵۵-۷۸.
۲. برزگر، کیهان؛ رضائی، مسعود (۱۳۹۶). آینده رقابت‌های راهبردی متداخل در اقیانوس هند. سیاست، ۴۷(۱): ۱-۲۱.
۳. وثوقی، سعید؛ فلاحی، احسان؛ حیدری، قربانعلی (۱۳۹۳). تبیین جایگاه افغانستان به عنوان کانون چند زیر سیستم منطقه‌ای با تاکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان. آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۷: ۱۷۷-۱۴۹.
4. Abe, S. (2007). **Confluence of the Two Seas**. Prime Minister of Japan. <https://www.mofa.go.jp/region/asia-paci/pm0708/speech-2.html>.
5. Balachandran, G. (9 November 2012). **Kudankulam Nuclear Power Plant and Civil Nuclear Liability**. *IDS Issue Brief*, Available at: https://idsa.in/issuebrief/KudankulamNuclearPowerPlantandCivilNuclearLiability_BalachandranPatil_091112.
6. Constable, P. (3 December 2018). **Trump sends letter to Pakistan asking for help with Afghan peace process**. *The Washington Post*. Available at: https://www.msn.com/en_in/news/world/trump-sends-letter-to-pakistan-asking-for-help-with-afghan-peace-process/ar-BBQs41x.
7. Dittmer, L. (1981). The Strategic Triangle _An Elementary Game- Theoretical Analysis. *World Politics*, 33(4): 485-515. DOI: <https://doi.org/10.2307/2010133>
8. Gupta, A. (10 November 2018). **Moscow Regional Consultations on Afghanistan: Can India Play a Role?**. *Vivekananda International Foundation*. Available at: <https://www.vifindia.org/2018/november/10/moscow-regional-consultations-on-afghanistan-can-india-play-a-role>.
9. Heiduk, F. & Gudrun, W. (2020). **From asia pacific to indio- pacific**. Available at: <https://www.swp-berlin.org/en/publication/from-asia-pacific-to-indo-pacific>.
10. Jaishankar, D. (24 October 2018). The Real Significance of the Quad. *The Strategist*, Available at: <https://www.aspistrategist.org.au/the-real-significance-of-the-quad/> (30 Accessed on November 2018).
11. Karaganov, S. (25 October 2016). **From East to West, or Greater Eurasia**. *Russia in Global Affairs*. Available at: <https://eng.globalaffairs.ru/articles/from-east-to-west-or-greater-eurasia>.
12. Kashin, V. (2018). Vostok 2018: a New Phase of Cooperation. *Moscow Defense Brief*, 5: <http://www.mdb.cast.ru/mdb/5-2018/item4/article1>.
13. Khripunov, I. & Srivastava, A. (1999). **Contending with “Bear-ish” Arms Market**. In: Gary K. Bertsch, Seema Gahlaut, & Anupam Srivastava (Eds.). *Engaging India: US*

- Strategic Relations with the World's Largest Democracy. Routledge.
14. Kissinger, H. (1979). **White House Years**. Boston: Little Brown.
 15. Krishnan, A. (30 November 2018). **The Other G20 Meeting: Can Xi and Modi Solve the China-India Border Paradox?**. *The South China Morning Post*. Available at: <https://www.scmp.com/week-asia/geopolitics/article/2175679/other-g20-meeting-can-xi-and-modi-solve-china-india-border>.
 16. Kuchins, A. (2018). What is Eurasia to US (the U.S.)?. *Journal of Eurasian Studies*, 9(2): 125-133.
 17. Kurilla, I. (5 December 2017). **Whenever America is in crisis Russia is its whipping boy**. The Washington Post. Available at: <https://www.washingtonpost.com/news/worldpost/wp/2017/12/05/trump-russia>.
 18. Kuznetsova, A. (1 September 2017). **Greater Eurasia: Perceptions from Russia. The European Union, and China. Russian International Affairs Council**. Available at: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/greater-eurasia-perceptions-from-russia-the-european-union-and-china>.
 19. Lavrov, S. (11 December 2017). **Remarks at the Vivekananda International Foundation New Delhi**. Available at: <https://www.vifindia.org/remarks/foreign-minister-sergey-lavrovs-at-the-vif>.
 20. Madan, T. (16 October 2018). **Between a Cold War Ally and An Indo-Pacific Partner: India's U.S. Russia Balancing Act**. *War On the Rocks*, Available at: <https://warontherocks.com/2018/10/between-a-cold-war-ally-and-an-indo-pacific-partner-indias-u-s-russia-balancing-act>.
 21. Ministry of External Affairs (1 June 2018). **Prime Minister's Keynote**. *Shangri La Dialogue*, Available at: <https://www.mea.gov.in/SpeechesStatements.htm?dtl/29943/Prime+Ministers+Keynote+Address+at+Shangri+La+Dialogue+June+01+2018>.
 22. National interest (2018). **Vostok-2018: Russia (with China Making a Guest Appearance) Set for Largest Wargames in over Three Decades**. Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/vostok-2018-russia-china-making-guest-appearance-set-largest-wargames-over-three-decades>.
 23. National Security Strategy of the United States of America (December 2017), <https://ge.usembassy.gov/2017-national-security-strategy-united-states-america-president>.
 24. Orf online (2019). **India-Russia Relations: Beyond Energy and Defence**. Available at: <https://www.orfonline.org/research/india-russia-relations-beyond-energy-and-defence-58298>.
 25. Starr, F. (2005). A **'Greater Central Asia Partnership' for Afghanistan and Its Neighbors**. Silk Road Paper, https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/SilkRoadPapers/2005_starr_a-greater

- central-asia-partnership.pdf.
26. Stepanova, E. (2018). Russia's Afghan Policy in the Regional and Russia-West Contexts, *Russie. Nei.Reports*, 23: 3-53.
27. The White House (4 October 2018). **Remarks by Vice-President Pence on the Administration's Policy Toward China**. Available at:
<https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-vice-president-pence-administrations-policy-toward-china>.
28. Trenin, D. (January 2018). **Avoiding U.S.-Russia Military Escalation During The Hybrid War**. *Carnegie Endowment for International Peace*. Available at:
https://carnegieendowment.org/files/Trenin_Hybrid_War_web.pdf.
29. Valdai Discussion Club Report (May 2016). **Toward the Great Ocean 4: Turn to the East. Preliminary Results and New Objectives**. Available at: <http://valdaiclub.com/files/11431/> (27 Accessed on May 2019).
30. Zakharov, A. (2019). The Geopolitics of the US-India-Russia Strategic Triangle. *Strategic Analysis*, 43(5): P. 357-371. <https://doi.org/10.1080/09700161.2019.1653527>.

References

1. Abe, S. (2007). **Confluence of the Two Seas**. Prime Minister of Japan.
<https://www.mofa.go.jp/region/asia-paci/pmv0708/speech-2.html>.
2. Ahmadi, A. ; Azadeh, M. & Mouslou, T. (2017). Theoretical Explanation of the Change in the Nature of Geopolitical Regions in Competition Between Powers. *Geopolitical Quarterly*, 13(3): 55-78. [In Persian]
3. Balachandran, G. (9 November 2012). **Kudankulam Nuclear Power Plant and Civil Nuclear Liability**. *IDSIA Issue Brief*. Available at:
https://idsa.in/issuebrief/KudankulamNuclearPowerPlantandCivilNuclearLiability_BalachandranPatil_091112.
4. Barzegar, K. & Rezaei, M. (2017). The Future of Intermittent Strategic Competition in the Indian Ocean. *Journal of Politics. Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 47(1): 1-21. [In Persian]
5. Constable, P. (3 December 2018). **Trump sends letter to Pakistan asking for help with Afghan peace process**. *The Washington Post*. Available at: <https://www.msn.com/en-in/news/world/trump-sends-letter-to-pakistan-asking-for-help-with-afghan-peace-process/ar-BBQs41x>.
6. Dittmer, L. (1981). The Strategic Triangle _An Elementary Game- Theoretical Analysis. *World Politics*, 33(4): 485-515. DOI: <https://doi.org/10.2307/2010133>
7. Gupta, A. (10 November 2018). **Moscow Regional Consultations on Afghanistan: Can India Play a Role?**. *Vivekananda International Foundation*. Available at:
<https://www.vifindia.org/2018/november/10/moscow-regional-consultations-on>

- afghanistan-can-india-play-a-role.
8. Heiduk, F. & Gudrun, W. (2020). **From asia pacific to indio- pacific**. Available at: <https://www.swp-berlin.org/en/publication/from-asia-pacific-to-indo-pacific>.
 9. Jaishankar, D. (24 October 2018). The Real Significance of the Quad. *The Strategist*, Available at: <https://www.aspistrategist.org.au/the-real-significance-of-the-quad/> (Accessed on November 30, 2018).
 10. Karaganov, S. (25 October 2016). **From East to West, or Greater Eurasia. *Russia in Global Affairs***. Available at: <https://eng.globalaffairs.ru/articles/from-east-to-west-or-greater-eurasia>.
 11. Kashin, V. (2018). Vostok 2018: a New Phase of Cooperation. *Moscow Defense Brief*, 5: <http://www.mdb.cast.ru/mdb/5-2018/item4/article1>.
 12. Khripunov, I. & Srivastava, A. (1999). **Contending with “Bear-ish” Arms Market**. In: Gary K. Bertsch, Seema Gahlaut, & Anupam Srivastava (Eds.). *Engaging India: US Strategic Relations with the World’s Largest Democracy*. Routledge.
 13. Kissinger, H. (1979). **White House Years**. Boston: Little Brown.
 14. Krishnan, A. (30 November 2018). **The Other G20 Meeting: Can Xi and Modi Solve the China-India Border Paradox?**. *The South China Morning Post*. Available at: <https://www.scmp.com/week-asia/geopolitics/article/2175679/other-g20-meeting-can-xi-and-modi-solve-china-india-border>.
 15. Kuchins, A. (2018). What is Eurasia to US (the U.S.)?. *Journal of Eurasian Studies*, 9(2): 125-133.
 16. Kurilla, I. (5 December 2017). **Whenever America is in crisis Russia is its whipping boy**. The Washington Post. Available at: <https://www.washingtonpost.com/news/worldpost/wp/2017/12/05/trump-russia>.
 17. Kuznetsova, A. (1 September 2017). **Greater Eurasia: Perceptions from Russia. The European Union, and China. Russian International Affairs Council**. Available at: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/greater-eurasia-perceptions-from-russia-the-european-union-and-china>.
 18. Lavrov, S. (11 December 2017). **Remarks at the Vivekananda International Foundation New Delhi**. Available at: <https://www.vifindia.org/remarks/foreign-minister-sergey-lavrov-at-the-vif>.
 19. Madan, T. (16 October 2018). **Between a Cold War Ally and An Indo-Pacific Partner: India’s U.S. Russia Balancing Act**. *War On the Rocks*, Available at: <https://warontherocks.com/2018/10/between-a-cold-war-ally-and-an-indo-pacific-partner-indias-u-s-russia-balancing-act>.
 20. Ministry of External Affairs (1 June 2018). **Prime Minister’s Keynote. Shangri La Dialogue**, Available at: <https://www.mea.gov.in/Speeches>

- Statements.htm?dtl/29943/Prime+Ministers+Keynote+Address+at+Shangri+La+Dialogue+June+01+2018.
21. National interest (2018). **Vostok-2018: Russia (with China Making a Guest Appearance) Set for Largest Wargames in over Three Decades.** Available at:
<https://nationalinterest.org/blog/buzz/vostok-2018-russia-china-making-guest-appearance-set-largest-wargames-over-three-decades>.
 22. National Security Strategy of the United States of America (December 2017),
<https://ge.usembassy.gov/2017-national-security-strategy-united-states-america-president>.
 23. Orf online (2019). **India-Russia Relations: Beyond Energy and Defence.** Available at:
<https://www.orfonline.org/research/india-russia-relations-beyond-energy-and-defence-58298>.
 24. Starr, F. (2005). A **'Greater Central Asia Partnership' for Afghanistan and Its Neighbors.** Silk Road Paper,
https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/SilkRoadPapers/2005_starr_a-greater-central-asia-partnership.pdf.
 25. Stepanova, E. (2018). Russia's Afghan Policy in the Regional and Russia-West Contexts, *Russie. Nei.Reports*, 23: 3-53.
 26. The White House (4 October 2018). **Remarks by Vice-President Pence on the Administration's Policy Toward China.** Available at:
<https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-vice-president-pence-administrations-policy-toward-china>.
 27. Trenin, D. (January 2018). **Avoiding U.S.-Russia Military Escalation During The Hybrid War.** *Carnegie Endowment for International Peace.* Available at:
https://carnegieendowment.org/files/Trenin_Hybrid_War_web.pdf.
 28. Valdai Discussion Club Report (May 2016). **Toward the Great Ocean 4: Turn to the East. Preliminary Results and New Objectives.** Available at: <http://valdaiclub.com/files/11431/> (Accessed on May 27, 2019).
 29. Vosoughi, S. ; Falahi, E. & Heidari, G. (2014). Explaining Afghanistan's status as a hub of several regional subsystems with emphasis on the South Asian region and the role of India. *Central Asia and Caucasus Journal*, 87: 149-177. [In Persian]
 30. Zakharov, A. (2019). The Geopolitics of the US-India-Russia Strategic Triangle. *Strategic Analysis*, 43(5): P. 357-371. <https://doi.org/10.1080/09700161.2019.1653527>.

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: <http://dx.doi.org/10.22034/sej.2020.1895020.1232>

سیمبر، رضا؛ رضاپور، دانیال (۱۳۹۹). رقابت‌های راهبردی متداخل کشورهای

قدرتمند در هند - اقیانوسیه و اوراسیا. *سیهر سیاست*، ۷(۲۴): ص ۱۳۵-۱۶۶.